

حرص و طمع همسر زیاد است!

حدود پنج سال پیش از طریق یکی از دوستانم با دوست خواهرش آشنا شدم. بعد از حدود یک سال آشنایی و با وجود اینکه به طور کامل همدیگر را نشناخته بودیم ازدواج کردیم. متأسفانه یکی از خصوصیات بد همسرم چشم و هم چشمی است. این مسأله باعث شده که بیش از حد کارکنم تا بتوانم خواسته‌هایش را برآورده نمایم.

دیگر تحمل رفتارهایش را ندارم. از غرور بیجا و فخر فروشی‌اش به خانواده‌ام خسته شدم. البته خانواده‌ام از ابتدا چون با ازدواجمان مخالف بودند رابطه خوبی با همسرم نداشتند. به نظر شما ادامه دادن این زندگی درست است؟ هرچه با همسرم صحبت می‌کنم بی فایده است و همچنان بریز و بباشش را دارد. دلم زندگی بدون حرص و طمع می‌خواهد. مشکل دیگرم این است که با وجود این همه اختلاف نظرهایی که با هم داریم به تازگی اصرار به بچه دار شدنمان دارد. به نظر شما این

کار درست است؟ لطفاً کمک کنید.
عباس - اصفهان
همراز گرامی متأسفانه چنین رفتارهایی می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و فاصله جدی بین زوجین باشد. مطمئن باشید این رفتار چشم و هم چشمی نه تنها به شما که به خود همسران هم آسیب می‌زند و او در درون رنج می‌برد. برای همین صحبت‌های شما بی فایده است. بنابراین به گمانم وقتی ایشان هنوز به ثبات هیجانی و احساسی لازم نرسیده‌اند و اختلاف نظر و عقیده جدی بین شما وجود دارد، آوردن فرزند اشتباه است چرا که نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه حتی به مشکلات

اضافه هم می‌کند و مهمتر اینکه او در میانه این اختلافات آسیب می‌بیند. پس تا حل مشکلات، بچه دار شدن را عقب بیندازید. موضوع دیگر اینکه مگر شما از اول حد درآمد و توان مالی خودتان را با ایشان در میان نگذاشتید که حالا ایشان انتظاری بیشتر دارند؟ اگر از اول مطرح کرده‌اید و قول‌های بی پایه به ایشان نداده‌اید الان هم نیاز ندارید بیش از توانتان کار کنید تا خواسته‌های غیر معقول ایشان را برآورده کنید. پیشنهاد می‌کنم حتماً با همسران به مشاور مراجعه کنید و مسائلتان را با کمک ایشان حل و فصل کنید.

بین دعوای دو نوجوان مانده‌ام!

همراز عزیز! دختری ۱۵ ساله و پسری ۱۸ ساله دارم که متأسفانه مدتی است روابطشان باهم خیلی بد شده. پسر احساس بزرگی به دخترم دارد و مدام سرگوشی و بیرون رفتن دخترم با یکدیگر دعوا می‌کنند. چون پسرم درس حساسی است، من و همسرم نمی‌توانیم زیاد با او بحث کنیم. از طرفی هم هر زمان از دخترم می‌خواهیم که کوتاه بیاید و لجبازی نکند او هم حرف گوش نمی‌دهد. باور کنید در شرایط بدی قرار گرفته‌ام. از شما می‌خواهم راهی نشانم دهید تا بتوانم روابط این دو را با یکدیگر خوب کنم. در ضمن بر خوردن با آنها که نوجوان و جوان هستند باید چگونه باشد؟ دلم می‌خواهد روابط دوستانه‌ای با آنها داشته باشم، ولی متأسفانه هیچکدامشان زیاد با من درد دل نمی‌کنند.

منیژه بلالی - حصارک

همراز عزیز! بهتر است توجه کنید که نه فقط پسران، بلکه هردو فرزند شما در سن خاص و حساسی هستند، نوجوانی سنی بسیار پرتلاطم، با تغییرات رفتاری، جسمانی و روانی زیادی است که نه تنها والدین را سردرگم و گیج می‌کند، بلکه خود نوجوان نیز دچار آشفتگی و بهم ریختگی می‌گردد. پس در این سن بحرانی نمی‌توان از آنها انتظار رفتار بالغانه و پخته داشت. با این وصف اگرچه هردو باید درک و فهمیده شوند اما حواستان باشد که اتفاقاً این دختر شماست که تازه وارد این مرحله از زندگی شده پس نیاز به مراقبت احساسی و عاطفی بیشتری دارد. مهمترین کار شما این است که برای هر کدام جداگانه و خصوصی، خیلی محکم و قاطع توضیح دهید که حق دخالت در امور دیگری را ندارند چون فقط شما (پدر و مادر) مسئول آنها هستید و نه هیچ کس دیگر. پس قاطعانه جلوی دخالت‌های پسران را بگیرید. در مورد رفتار خودتان هم بهتر است که به حفظ استقلال و حریم شخصی فرزندان احترام بگذارید. حد و مرزها و خط قرمزهای خانواده تان را برای آنها بطور واضح مشخص کنید و تا جایی که ممکن است از دخالت مستقیم در امور شخصی آنها اجتناب کنید. دورادور کنترل داشته باشید و غیرمستقیم آگاهی بدهید و از نصیحت مستقیم پرهیز کنید. رابطه تان را قوی‌تر کرده و سرگرمی و تفریحات دوستانه تان را با آنها بیشتر کنید، درعین اینکه به آنها فضای شخصی خودشان را هم می‌دهید. موفق باشید.

نوجوانی
سنی بسیار
پرتلاطم، با
تغییرات
رفتاری،
جسمانی و
روانی زیاد
است که نه
تنها والدین
را سردرگم
و گیج می
کند، بلکه
خود نوجوان
نیز دچار
آشفتگی و
بهم ریختگی
می‌گردد

از شکستن غرورم می‌ترسم!!

پسری ۲۸ ساله هستم که حدود یکسال است از یکی از همکارانم خوشم می‌آید. ایشان فوق لیسانس حسابداری دارند اما متأسفانه دو سال از من بزرگتر هستند، در حالیکه من دیپلمه هستم و از لحاظ رتبه کاری از ایشان پایین‌ترم. خوشبختانه ایشان دختری فوق العاده منطقی و فهمیده هستند. بر خوردن با ایشان به گونه‌ای است که تا کنون احساس نکرده‌ام از لحاظ تحصیلی تفاوت داریم ولی رفتاری هم از علاقه‌اش در خودم ندیده‌ام. نگرانی‌ام این است که اگر مسأله را مطرح کنم این فاصله تحصیلات می‌تواند برایم مشکل ساز شود. در ضمن اگر جوابش منفی باشد غرورم شکسته می‌شود. از طرفی هم دلم نمی‌خواهد کسی در شرکت‌مان این موضوع را بداند. از شما می‌خواهم کمک کنید تا بتوانم این مسأله را حل کنم.

محسن -- کرج

همراز عزیز! پاسخ مسأله تان را خودتان داده‌اید. اگر یکبار دیگر موانع و چالش‌های پیش رویتان را مرور کنید. یکی از مواردی که در انتخاب همسر مهم است هم کفو بودن به لحاظ تحصیلی و فرهنگی است. درست است که ایشان به عنوان همکار تا به حال با شما رفتار خوبی داشته‌اند اما به عنوان خواستگار احتمالاً رفتارشان متفاوت خواهد بود. نکته ای که اغلب افراد از آن غفلت می‌کنند این است که سطح تحصیلات به طور ناخودآگاه روی فرهنگ، آداب معاشرت و نگرش به زندگی، جامعه، محیط و... تأثیر می‌گذارد. فضای دانشگاه با دبیرستان بسیار متفاوت است و همین تفاوت فضا تفاوت دیدگاه در زمینه‌های مختلف را موجب می‌شود. پس نگرانی شما بجاست. اگرچه ایشان دختر خوبی است اما ممکن است انتخاب خوبی برای همسری شما نباشد. این تفاوت تحصیلی مخصوصاً وقتی خانم از آقا تحصیلات بالاتری دارد مشکل‌سازتر می‌شود. چون اغلب آقایان؛ همچون شما؛ مدام نگران شکستن غرورشان هستند پس احتمال اینکه در هر بحث و اختلافی با همسرشان احساس حقارت کنند، بیشتر است و این حالت به مرور رابطه را دچار آسیب می‌کند. به گمانم بهتر است به گزینه‌های مناسبتری فکر کنید. موفق باشید.

* نکته ای که
اغلب افراد
از آن غفلت
می‌کنند این
است که سطح
تحصیلات به
طور ناخودآگاه
روی فرهنگ،
آداب معاشرت
و نگرش به
زندگی، جامعه،
محیط و... تأثیر
می‌گذارد